

پیشگیری اولیه از وقوع جرایم و تخلفات و عوامل مؤثر بر آن بر اساس آموزه های قرآنی

علیرضا میلانی^۱

مرتضی علیمحمدی^۲

چکیده

امروزه یکی از مباحث روز دنیا، پیشگیری از جرایم و تخلفات در جوامع بشری و سازمان ها می باشد. با اصلاح ساختارها و وضعیت اجتماعی، فرهنگی، نظارتی و ... می توان در پیشگیری از بزه کاری در جامعه مؤثر بود. یکی از انواع پیشگیری، پیشگیری اولیه یا اجتماعی می باشد که از علم پزشکی برگرفته شده است. در این نوع از پیشگیری با از بین بردن زمینه های انحراف و بزه کاری، نسبت به پیشگیری اقدام می شود. از مهم ترین عوامل مؤثر بر پیشگیری اولیه در جوامع اسلامی، توجه به آموزه های قرآنی و دین مبین اسلام و استمداد از آن است. در جامعه اسلامی باید قوانین الهی و ارزش های دینی، محک و معیار تجویز یا عدم تجویز روش های پیشگیرانه مردم به شمار آمده از آنها به عنوان منابع اصول پیشگیری استفاده شود. با بررسی معایب و جودی انسان، که در قرآن کریم ذکر شده و اتخاذ راه کارهای مناسب برای رفع یا کم رنگ کردن آنها از طریق رهنمودهای آموزشی، تبلیغی و نظارتی، که در این کتاب مقدس آمده است، می توان احتمال انحرافات و بزه کاری را کاهش داد. فقط باید توجه داشت یکی آسیب های بزرگ در این مسیر، تربیت عاریه ای است که بر پیکره تربیت فطری و درونی وارد می آید و باید از آن پرهیز شود. توجه به این نکته هم مهم است که هزینه اقدامات پیشگیری از جرم به عنوان سرمایه گذاری تلقی می شود و بازگشت این سرمایه از طریق بهبود امنیت عمومی متجلی می گردد.

کلید واژه ها: پیشگیری اولیه از جرایم، آموزه های قرآنی، امور تربیتی و آموزشی، امور

نظارتی، امور تبلیغی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (alireza.millani@yahoo.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (morteza.alimohammadi@chmail.ir).



مقدمه

پیشگیری یکی از مباحث عملی و بسیار با اهمیت در تمامی علوم به ویژه در جرم شناسی است. این شاخه از جرم شناسی، ضمن بررسی عوامل اجتماعی پدیده مجرمانه، با ارائه تدابیر و راه کارهای پیشگیرانه، سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. امروزه اهمیت پیشگیری از جرم برای همه دولت ها و نهادهای برقرارکننده نظم و امنیت در جامعه، بیش از پیش مشخص شده است. همان طور که در وقوع جرایم و تخلفات مؤلفه هایی از جمله: وضعیت اجتماعی، فرهنگی، نظارتی و ... نقش دارند، در پیشگیری از جرایم و تخلفات نیز همین امور مؤثر می باشند. بنابراین با توجه دقیق و درست به مؤلفه های مزبور بر اساس تأکیدات دین مبین اسلام می توان از آنها به عنوان فرصت استفاده کرد و با برنامه ریزی درست و شاید بلند مدت بتوان در راه پیروزی اسلام و مسلمانان قدم برداشت. چنانچه راه نفوذ به قلوب انسان ها با کمک دین به درستی انتخاب و به خوبی اجرا شود، چنان قدرتی خواهد داشت که هیچ نیرویی قادر به انحراف آن نبوده و راه راستی و درستی را خواهد پیمود. عوامل بسیار زیادی برای رسیدن به این هدف وجود دارند که می باید با موشکافی در تعلیمات اسلامی به ویژه در قرآن کریم به آنها دست یافت. بخشی از این عوامل می توانند با تکمیل نمودن یکدیگر، رسیدن به هدف را برای ما آسان تر کنند. خداوند بزرگ و بلند مرتبه در آیه ۲ سوره بقره می فرماید: "ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ"؛ این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است. همان گونه که در آیه مزبور عنوان شده؛ قرآن کریم مایه هدایت تقوای پیشگان خواهد بود. پس قطعاً راه و مسیر درست در این کتاب مقدس ذکر شده که می توان با بهره گیری از آن، عواملی را که ناظر بر هدایت صحیح انسان ها هستند، شناخته آنها را به مسیر راستی و درستی آورد تا پس از اصلاح گفتار و کردار انسان ها، به اصلاح جامعه و در پی آن کم شدن روز افزون جرایم و تخلفات امید داشته باشیم.

اسلام که انسان را موجودی برتر و دارای قوا و استعدادهای فوق العاده در مسیر رشد و بقا می داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیشگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان، این



امور را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده آموزه های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و به کارگیری آنها نه فقط موجب پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی از اقدامات مجرمانه می گردد، بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان را نیز تضمین کرده او را به هدف والایی که برای آن آفریده شده است، نزدیک می کند.

تجاریبی که بشر امروزی به دست آورده این است که در طول تاریخ، ایمان آورندگان (و عمل کنندگان) به ادیان الهی و آموزه های دینی و اخلاقی، رفتارهای معتدل و نسبتاً منطقی داشته و میزان ارتکاب جرایم و بزهکاری در میان آنان در مقایسه با کسانی که باورهای دینی و معنوی ندارند، کمتر بوده است. نوشتار حاضر در دو بخش «مفهوم پیشگیری اولیه (اجتماعی)» و «آموزه های دینی ناظر بر پیشگیری اولیه از ارتکاب بزه» تهیه شده و در مبحث دوم فقط برخی از آیات قرآن کریم که ناظر بر امور تربیتی و آموزشی، نظارتی و تبلیغی می باشند، آمده است؛ چرا که بررسی دقیق تر و موشکافانه تر در حوصله این مقال نبوده تحقیق بسیار گسترده تری را می طلبد.

مفهوم پیشگیری اولیه (اجتماعی)

۱- مفاهیم و تعاریف پیشگیری:

واژه پیشگیری از نظر لغوی و در مفهوم متداول آن به معنای "پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن" و همچنین "آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن" است. پیشگیری در جرم شناسی پیشگیرانه به معنای کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه کاری، به استقبال جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزه کاری است. در مفهوم اصطلاحی دو جهت گیری کلی دیده می شود. برخی از جرم شناسان مفهوم موسعی برای تدابیر پیشگیرانه قایل شده اند. مطابق این مفهوم، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می شود. بر اساس این برداشت، انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری (چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم) پیشگیری به شمار می آیند. در تعبیر مزبور، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری محسوب می شوند. در نتیجه این مفهوم



طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را در بر می گیرد. برخی دیگر نیز پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به کار می برند؛ به این معنا که پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می شود که دولت برای مهار بهتر بزه کاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی و از بین بردن فرصت های جرم، مورد استفاده قرار می دهد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۰: ۷۵۰).

۲- اوصاف اقدام های پیشگیری از جرم:

برای تشخیص اقدامات پیشگیرانه چهار معیار در نظر گرفته شده که به شرح زیر است:
الف- تدبیر یا اقدامی پیشگیری از بزه کاری است که هدف انحصاری آن، تضمین جلوگیری از وقوع جرم باشد؛ یعنی این اقدامات بر عوامل یا فرایندهایی که منجر به وقوع جرم می شوند، تأثیر قاطع بگذارد.

ب- تدابیر باید خطاب به جمعی از مردم باشد. بنابراین، اقداماتی پیشگیرانه محسوب می شوند که جمعی باشند. اقدامات فردی در بحث اصلاح، درمان و جرم شناسی بالینی مورد توجه قرار می گیرد.
ج- این اقدامات باید قبل از ارتکاب جرم، یعنی قبل از اینکه حالتی تبدیل به جرم شود، اعمال شود.
د- خصیصه چهارم این اقدامات آن است که چون قبل از وقوع جرم مورد استفاده قرار می گیرند، فاقد ویژگی قهرآمیز و الزام آور می باشند (همان منبع: ۷۵۲).

حال چنانچه بخواهیم تعریف مختصر و مفیدی از پیشگیری از جرم ارائه دهیم، می توانیم بگویم که پیشگیری از جرم «پیش بینی، شناسایی و برآورد عوامل خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آنهاست».

۳- تعریف پیشگیری اولیه (اجتماعی):

این تقسیم بندی از علم پزشکی وارد جرم شناسی شده است و برای اولین بار جرم شناسان امریکایی آن را ارائه داده اند. در علم پزشکی، پیشگیری از بیماری ها به سه سطح تقسیم می شود: سطح اول اختصاص به تمامی افراد جامعه دارد؛ سطح دوم به افراد در معرض خطر بیماری مربوط می شود؛ سطح سوم به واگیری مجدد بیماران درمان شده و مصون سازی آنها در مقابل



ابتلای مجدد، اختصاص دارد. بر همین اساس، هدف پیشگیری اولیه، کل جامعه است. این نوع از پیشگیری تلاش دارد تا کل جامعه را در مقابل خطر بزه کاری و بزه دیدگی تقویت کند. اقدامات مربوط به اصلاح شرایط محیط فیزیکی و محیط اجتماعی از اصلی ترین تدابیر پیشگیری اولیه به شمار می روند (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۴۲).

۴- مبانی قانونی و حقوقی پیشگیری اولیه (اجتماعی) از جرم:

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در بند «۱» بخش D قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۹ خود، به همه کشورهای عضو توصیه کرده است که از طریق تدابیر زیر به "پیشگیری اولیه" از جرم بپردازند:

الف- ترویج تدابیر پیشگیری وضعی مانند سخت تر کردن هدف و کاهش فرصت؛

ب- توسعه رفاه و سلامت به وسیله مبارزه با تمام اشکال محرومیت اجتماعی؛

ج- ارتقای ارزش های اجتماعی و احترام به حقوق اساسی بشر؛

د- ارتقای مسئولیت مدنی و رویه های میانجیگری اجتماعی؛

ه- تسهیل انطباق شیوه های کاری پلیس و دادگاه ها با یکدیگر (محمدنسل، ۱۳۸۷).

پیشگیری در قانون ایران نیز و جاهد قانونی دارد؛ چرا که خبرگان قانونگذار در قانون اساسی، در کنار حقوق جزا، مبانی قانون پیشگیری را نیز پیش بینی کرده اند. در بند ۵ اصل ۱۵۶ خبرگان قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان پیش بینی شده است. از سویی دیگر در دیباچه قانون اساسی در بحث مربوط به قضا، جلوگیری از انحرافات امت اسلامی اعلام شده است که یکی از این انحرافات، می تواند جرم باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۷۳۶-۷۳۷).

کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز پیشگیری اجتماعی را به این نحو تعریف کرده است: "پیشگیری اجتماعی عبارت است از: تدابیر و روش های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم" (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۴۲).

۵- اهداف پیشگیری اولیه (اجتماعی):

پیشگیری اجتماعی سعی دارد علل و عوامل خطرزای بزه کاری و بزه دیدگی را مورد هدف گیری



قرار دهد. این قسم از پیشگیری تلاش دارد از تولید بزه‌کار یا بزه دیده جلوگیری کند و در واقع اقدامات مداخله‌ای در محیط عمومی، شخصی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود (همان منبع: ۴۳). در پیشگیری اجتماعی به دنبال هماهنگ سازی ابعاد جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. در این نوع پیشگیری از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القا کرده به او قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خویش را بدهیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۷۰).

در پیشگیری اجتماعی تلاش می‌شود با انجام برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن و درمان نارسایی‌های اجتماعی و نیز بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه اعتلا یافته و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد. جلوگیری از شرایط اجتماعی جرم‌زا و واپایش (کنترل) بزه‌کاری، همکاری کلیه نهادهایی را می‌طلبد که مرتبط با بزه‌کاری و جرم است. تأمین امکانات رفاهی و بهداشت، بالا بردن سطح فرهنگی و بینش اعتقادی و مذهبی مردم، تهیه مسکن ارزان، از بین بردن بیکاری و جلوگیری از مهاجرت، از جمله مهم‌ترین برنامه‌ها و مؤلفه‌هایی است که در پیشگیری اجتماعی از جرم می‌تواند مورد تأکید و توجه قرار گیرد. این رویکرد پیشگیرانه از جرم و انحراف برای اینکه بیشتر اثر گذار باشد، باید در جهت رفع نیازهایی بکوشد که برای سال‌های طولانی در زندگی افراد وجود دارد (بشارتی، ۱۳۹۰).

بی‌تردید مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عاملی که در بروز بزه‌کاری نقش اساسی و مستقیمی را ایفا می‌کند، اراده مجرم است که گذار از مرحله‌انگیزه و تصمیم به ارتکاب بزه را تا تحقق کامل آن هموار می‌کند. واقعیت آن است که دو دسته از عوامل موجب بروز افکار و اراده مجرمانه می‌شود: دسته اول عواملی هستند که مثل مشکلات حاد درونی از درون بر افکار و اراده فرد اثر می‌گذارند و او را به سمت بزه سوق می‌دهند؛ دسته دوم نیز شامل علل و عوامل بیرونی از قبیل محیط‌های ناسالم و جرم‌زا و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است که زمینه ارتکاب جرم را در فرد فراهم می‌آورد. بنابراین، واپایش (کنترل) جرم بدون در نظر گرفتن عواملی که بر اراده



و انگیزه مجرمانه تاثیر دارند، عملاً امکان پذیر نیست (جزینی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین برای پیشگیری اولیه از وقوع بزه، نیازمند منابع محکم و قطعی می باشیم. منابع دینی مانند قرآن کریم، احادیث معتبر و... می توانند ما را در رسیدن به این هدف یاری رسانند. ۹۵/۴/۲۸

آموزه های قرآنی ناظر بر پیشگیری اولیه (اجتماعی) از ارتکاب بزه

۱- اهمیت دین در هدایت انسان :

رسالت دین، هدایت و راهنمایی انسان و بیرون راندن او از گمراهی ها و فتنه ها می باشد. به طور قطع پیشوایان دینی به لحاظ وظیفه ای که خداوند بر دوش آنان نهاده است، باید بکوشند تا این مهم را تحقق بخشند. از این روست که پیشگیری از انحراف، کژروی و رفتارهای مجرمانه در فهرست وظایف انبیا و پیشوایان دینی قرار می گیرد. امام علی (ع) در مورد شأن حاکم اسلامی می فرماید: «خدا یا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبوده، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند» در نظام اجتماعی اسلام همواره پیشگیری از وقوع جرم، مقدم بر اصلاح بوده بر این اساس دارای مبنای عقلایی است. بنابراین، این امر مورد قبول همگان و از اهتمام حیاتی بسیار بالایی برخوردار می باشد. انجام ندادن اقدامات لازم برای پیشگیری از جرم، موجب گستردگی انحراف در جامعه می گردد که بعدها به سهولت نمی توان مانع آن شد (خسرو شاهی و همکاران، ۱۳۹۰).

قرآن کریم بیش از همه، به اصلاح و تربیت افراد، سوق دادن آنان به اخلاق و کارهای نیک و جلوگیری انسان ها از ارتکاب جرم و گناه، اهتمام ورزیده است تا جایی که رسالت اصلی این کتاب آسمانی را هدایت و اصلاح جامعه انسانی قلمداد کرده است. اصلی ترین و مهم ترین آموزه قرآن برای پیشگیری از جرایم و ناهنجاری های اجتماعی، آموزه های تربیتی و اصلاحی است؛ به گونه ای که آموزه ها و شیوه های دیگر (نظیر پیشگیری کیفری و وضعی) امر فرعی در فرایند مبارزه با جرم محسوب می شوند. در این نوع از پیشگیری، سعی بر این است که با تعلیم و تربیت صحیح افراد، رشد و تعالی فکری و فرهنگی جامعه، شناخت علل و زمینه های اجتماعی



ارتکاب جرم و برطرف کردن آنها، از شکل گیری تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری شود. همچنین با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی، رفع مشکلات آحاد جامعه، تأمین نیازهای حیاتی، تقویت نهادهای اجتماعی و ترویج اخلاق و ارزش های انسانی، مانع از کشیده شدن افراد به زندگی مجرمانه گردد (روپیگر، ۱۳۹۱).

بررسی ها و مطالعات، نشان دهنده این واقعیت است که آموزه های دینی، اخلاقی و معنوی نقش مؤثری در پیشگیری از جرم و بزه کاری ایفا می کنند و حتی کسانی که تردیدهایی در این مورد داشته اند نیز به گونه ای به نقش بازدارندگی دین اذعان کرده اند؛ برای مثال گرازمیک و دیگران در این زمینه می گویند: جامعه شناسان به این نتیجه رسیده اند که دست کم برخی از ابعاد دین را می توان دارای نقشی بازدارنده، حداقل در خصوص برخی از انواع رفتارهای غیرقانونی به حساب آورد. آنچه در اینجا قابل ذکر است، نوع دین و نوع آموزه های اخلاقی و معنوی است که رابطه مهمی با رفتارهای انسان و همچنین جرایم و کجروی او دارد؛ به این معنا که هر اندازه آموزه دینی و اخلاقی، منطقی و اثربخش باشد و فرد زمینه پذیرش آن را داشته باشد، تأثیر مناسب تری بر رفتار و کنش های او خواهد داشت. نکته مهم دیگر در اثربخشی آموزه های دینی و اخلاقی در بازدارندگی از جرم، وجود زمینه ها و متغیرهای مهم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. دین و آموزه های دینی و اخلاقی در یک شرایط و بستر مناسب و در کنار سایر متغیرها می توانند نقش مطمئن و کارآمدی ایفا کنند. دین، معنویت و اخلاق، زمانی مؤثرترین و بیشترین تأثیر را دارند که از حوزه فردی و شخصی به حوزه عمومی و اجتماعی گسترش پیدا کرده باشند. در میان ادیان توحیدی، دین اسلام از این جامعیت و کمال اجتماعی برخوردار است؛ به عبارت دیگر دین، یک نظام جامع و پویاست که ساخت های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد و زمانی که دین با رویکرد نظام مند در یک جامعه به دور از افراط و تفریط اجرا شود، به دلیل منطبق بودن با فطرت الهی انسان و توجه عمیق به انسان و ابعاد روان شناختی و جامعه شناختی وی، توانمندی ویژه و کارآمدی برای ایجاد تعادل رفتاری در ابعاد مختلف حیات بشری دارد و هنگامی که نظام های مختلف اجتماعی، اقتصادی،



فرهنگی و سیاسی یک جامعه بر مبنای آموزه های توحیدی و معنوی به شکل متوازن به حرکت درآیند، آن جامعه در پرتو عدالت اجتماعی و برخورداری از رفتارهای اخلاقی و معنوی از کژی ها، گناه و جرایم دور خواهد بود و جرم و گناه به حداقل میزان خود خواهد رسید (ترابی، ۱۳۹۰).

بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی، جرم شناسان و روان شناسان بر این عقیده هستند که مذهب به عنوان اصلی ترین عامل خودوآپایشی (خودکنترلی)، افراد را از کج روی و رفتارهای نا به هنجار و پرخطر دور نگه می دارد. هر چه فضای جامعه، مذهبی تر باشد، این خودوآپایشی (خودکنترلی)، در بین شهروندان بیشتر می شود. برجسته ترین اثر باورهای مذهبی، واپایش (کنترل) انسان، مهار تمایلات جسمانی و تقویت روحیه مقاومت در برابر جاذبه های نفسانی است. بسیاری از متخصصان علوم رفتاری و جامعه شناسان غربی نیز به این عقیده دست یافته اند و آن را غیر قابل انکار می دانند؛ به گونه ای که زوال اخلاق در غرب، افزایش میزان جرم و جنایت در این کشورها و شیوع انواع فسادهای اخلاقی را، نتیجه روی گرداندن شهروندان از دین باوری می دانند. تقویت اخلاقیات، بالا بردن میزان تحمل مردم و پالایش احساسات و افکار منفی در نزد آنها، نقش و تأثیر به سزایی در کاهش وقوع بزه دارد و در این بین یکی از اثرهای مثبت مذهب و باورهای معنوی، رسیدن به نکات مزبور است؛ زیرا فرد متدین به سبب ایمان به خدا، ملزم کردن خود به رعایت اصول دینی و اخلاقی و باور به اینکه خداوند ناظر اعمال انسان هاست، بی شک بسیار آرام، متین و منطقی تر رفتار می کند و در برابر ناکامی ها و ناملایمات، منطقی و استدلال خودش را نابخسته تسلیم نمی شود و رفتارهای مجرمانه بسیار کمتر از او سر می زند. بنابراین، مسئولان فرهنگی جامعه باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا با حاکم کردن فضای معنوی در کشور، آمار جرم و جنایت نیز کاهش یابد. توجه به آموزه های دینی در خصوص پیشگیری از جرم، برای کشور ما، که احکام اسلامی بر آن حاکم است، اهمیت بالایی برای دارد. بی تردید اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم، بزه کاری، انحراف و گمراهی، از اصول قضای اسلامی و سیاست جنایی اسلام محسوب می شود. این اقدامات پیشگیرانه مجموعه ای از اقدامات و فعالیت های سازنده تربیتی، آموزشی،



اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد (بنی هاشمی، ۱۳۹۲). در ادامه به طور مختصر به بررسی برخی از امور مؤثر و ناظر بر پیشگیری اولیه (اجتماعی) از وقوع بزه با تأکید بر آموزه های قرآنی می‌پردازیم.

۲- آموزه های قرآنی در امور تربیتی و آثار آن در پیشگیری از بزه:

تربیت عبارت است از: فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعداد های جسمانی و روانی انسان مورد تربیت و هدایت آنها در جهت مطلوب و جلوگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری ها (امینی، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

مسئولیت علمای دین در زمینه تعلیم و تربیت از دیگران سنگین تر است؛ زیرا آنها با ورود به این شغل، مسئولیت ترویج و تبلیغ دین و نشر فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی را به عنوان یک وظیفه پذیرفته اند. آنها جانشینان پیامبر اسلام (ص) و کارشناسان علوم اسلامی هستند و وظیفه دارند کار پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت را، که تعلیم و تزکیه نفوس است، انجام دهند و در نشر حقایق دین و پرورش نفوس انسان ها، تلاش و جدیت نمایند (همان منبع: ۱۵۹).

دولت اسلامی در میان مسئولان امر تعلیم و تربیت، وظیفه سنگین تری بر عهده دارد. حکومت اسلامی بدین دلیل که یک نظام مکتبی است، باید دفاع از اسلام و ترویج و اجرای کامل برنامه های آن را در ابعاد مختلف در رأس آموزش قرار دهد؛ مثلاً تعلیم و تربیت افراد، بر طبق مبانی تربیتی اسلامی، از ضروریات اولیه نظام به شمار می‌رود. دولت اسلامی وظیفه دارد به تعلیم و تربیت صحیح افراد جامعه و جلوگیری از مفاسد و انحرافات اخلاقی، به طور جدی توجه داشته در این زمینه سرمایه گذاری کند و پس از تهیه برنامه ها و طرح های جامع با استفاده از کارشناسان تعلیم و تربیت اسلامی، آنها را در اختیار مراکز مختلف تربیتی قرار داده از مراکز مزبور بخواهد به طور منسجم و هماهنگ آنها را اجرا کنند (همان منبع: ۱۶۲).

ایمان به خدا، نبوت و معاد یکی از بهترین وسایل دعوت به خوبی ها و جلوگیری از مفاسد اخلاقی است. پیامبران غالباً این روش را به کار می‌گرفتند؛ یعنی ابتدا انسان ها را به ایمان به خدا، نبوت و معاد دعوت می‌کردند و با ذکر دلایلی، به تقویت ایمان آنان می‌پرداختند، آنگاه



از طریق ایمان، آنها را به انجام کارهای نیک، تخلق به مکارم اخلاق و اجتناب از کارهای زشت و رذایل اخلاقی دعوت می کردند. چنین شیوه ای از نهاد انسان مایه می گیرد و مقرون به توفیق است (همان منبع: ۳۲۱).

از اهداف تربیت اسلامی (قوام، ۱۳۹۰: ۲۹). می توان به «عبودیت و بندگی» اشاره کرد. خداوند متعال هدف از خلقت جن و انس را عبودیت و بندگی خود معرفی نموده می فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" و ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند. (ذاریات، آیه ۵۶) در آیات دیگر قرآن کریم از جمله آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۳۶ سوره نحل و ... نیز همین هدف مورد تأکید قرار گرفته است. از دیگر اهداف تربیت در قرآن می توان «متقی کردن انسان ها» را نام برد. چنانچه انسان به مرتبه تقوا نرسد، بهره و حظ لازم را از قرآن، که کتاب هدایت است، نمی برد. خداوند می فرماید: "ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ": این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزگاران است (بقره، آیه ۲). همچنین در آیه ۱۳۸ سوره آل عمران آمده است: "هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ": این کتاب خدا حجت و بیانی است برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزگاران. بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات، گرامی ترین و با افتخارترین افراد در نزد خداوند، با تقوا ترین آنهاست. هدف دیگری که در قرآن احزاب آیه ۱۴ سوره اعلی و آیه ۸ سوره اعراف آشکارا می توان دید. «ایمان و عمل صالح» نیز یکی دیگر از اهداف تربیت اسلامی عنوان شده که برای دستیابی به سعادت، ضروری به نظر می رسند. چنان که در آیه ۷ سوره بینه آمده است: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ": آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، آنها به حقیقت بهترین اهل عالم اند. همچنین در آیه ۲۹ سوره رعد آمده است: "الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا بَدَأَ": آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند، خوشا بر احوال و مقام نیکوی آنها. در آیاتی دیگر نیز عنوان شده، پیروی از هوای نفس، با سعادت و رستگاری انسان و وصول به مقام عبودیت الهی سازگاری ندارد؛ چنان که در آیه ۵۰ سوره قصص در مذمت پیروی از هواهای نفسانی می خوانیم:



"وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ" و کیست ستمگر و گمراه تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده از هوای نفس خود پیروی کند؟... به همین دلیل خداوند متعال با صراحت، انسان ها را از پیروی هوای نفس بر حذر داشته و فرموده اند: "...فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ...!!... پس از هوای نفس پیروی نکنید... (نساء، آیه ۱۳۵). همچنین در آیه ۲۶ سوره ص آمده است: "...وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...!!... و هرگز از هوای نفس پیروی نکنی که تو را از راه خدا گمراه سازد... از دیگر اهداف تربیت اسلامی می توان به پرهیز از دنیا طلبی، مجاهدت در راه خدا، نیکی و خدمت به خلق خدا اشاره کرد. بنابراین می توان نتیجه گرفت چنانچه در تربیت اسلامی افراد، به اهداف آن توجه داشته باشیم، می توانیم از افراد در مقابل خطرهای جامعه و بزه کار شدن آنها جلوگیری کنیم.

لازم است در این بخش تفاوت آموزش دینی و تربیت دینی را متذکر شد. در آموزش دینی به متربی صرفاً معارف و مطالب دینی آموزش داده می شود، ولی در تربیت دینی علاوه بر آموزش، بسترهایی فراهم می شود تا متربی به آموزه های دینی باور پیدا کرده رفتار و کردار خود را بر اساس آن تنظیم نماید. همچنین باید به این نکته توجه داشت که شرط قطعی دیندار بودن و دینی شدن، تراکم اطلاعات و اندوخته های حفظی و صوری دانش دینی نیست (قوام، ۱۳۹۰: ۴۲). پس تربیت، حد اعلائی آموزش است و ما برای صیانت و پیشگیری اولیه باید به دنبال تربیت اسلامی باشیم.

۳- استفاده از ابزار نظارت اجتماعی در آموزه های قرآنی:

دین اسلام که تنها آیین و مکتب سیاستمدار و ارائه دهنده پیشرفته ترین نظام حکومتی برای اداره جامعه های بشری است، یکی از ارکان اعمال مدیریت خویش را برای صیانت و واپایش بشر و هدایت انسان به سوی تعالی و تکامل، قانون نظارت قرار داده است (محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۵۳). از نظر اسلام، انسان موجودی است با کرامت، عزیز و مستعد و خداوند برای زندگی او، برنامه دقیقی را مطابق با فطرتش تدوین کرده تمام اعمال، گفتار و نیات او زیر نظر قرار داده است. یکی از انواع نظارت از منظر قرآن کریم، نظارت خداوند است (همان منبع: ۵۴).



اولین مراقب، همانا پروردگار عالم می باشد که از نیات، گفتار و اعمال آشکار و نهان انسان ها آگاه است. در آیات متعدد قرآن کریم به این نوع از نظارت خداوند متعال اشاره شده که به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

* ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا "همانا خداوند مراقب شماست. (نساء، آیه ۱)

* وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ "بر حکم خداوند صبر کن که تو در برابر دیدگان ما هستی (طور، آیه ۴۸).

* "يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ" او چشم هایی را که به خیانت می گردد و آنچه را در سینه ها پنهان می دارند، می داند (مؤمن، آیه ۱۹).

* "وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ" خداوند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می سازید، می داند (نحل، آیه ۱۹).

نظارت فرشتگان، نوعی دیگر از نظارت است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است. خداوند متعال بر انسان مراقبانی از فرشتگان گماشته که تمام اعمال و کردارش را ثبت می کنند؛ چنان که در آیه ۱۸ سوره ق آمده است: "مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ" انسان هیچ سخنی بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت و ضبط آن است.

همچنین در آیه ۱۰ تا ۱۲ سوره انفطار می خوانیم: "وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" و بی شک نگهبانانی بر شما گمارده شده و الا مقام و نویسنده اعمال نیک و بد شما که می دانند شما چه می کنید.

اعضا و جوارح انسان از دیگر نظارت کنندگان بر اعمال انسان هستند که در قیامت شهادت می دهند؛ چنان که آیات زیر به نظارت اعضا و جوارح انسان اشاره دارند:

* "يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" در آن روز زبان ها، دست ها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب شدند، گواهی می دهند (نور، آیه ۲۴).

* "الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ" امروز بر دهانشان مهر نهادیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند، شهادت می دهند (یس، آیه ۶۵).



* "حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"؛ گوش ها، چشم ها و پوست های تنشان به آنچه می کردند، گواهی می دهند (فصلت آیه ۲۰).

مکان و طبیعت نیز از دیگر انواع ناظر بر انسان هستند. در روز قیامت مکان و زمینی که عمل در آن واقع شده است، به عنوان شاهد و ناظر شهادت می دهند؛ چنان که در آیه ۴ سوره زلزال آمده است: "يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا"؛ در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند.

پروردگار متعال در قرآن کریم درباره گواهی پیامبران و امامان معصوم (ع) نیز در روز قیامت می فرماید: "فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا"؛ حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی می آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد. (نساء آیه ۴۱). همچنین در آیه ۱۰۵ سوره توبه آمده است: "وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ..."; بگو عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند....

نفس لوامه در عرصه وجود انسان به عنوان یک ناظر وجود دارد. البته قدرت و وسعت وجودی نفس لوامه، مراتب گوناگونی در انسان های مختلف دارد. مرتبه و الای نفس لوامه را در انسان های موحد می توان دید. در اهمیت نفس لوامه همین بس که خداوند در آیه ۲۱ سوره قیامت به آن قسم یاد می کند: "لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ"؛ سوگند به روز قیامت و سوگند به (نفس لوامه) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز است). اسلام مسئله نظارت را منحصر به مراجع رسمی و قانونی در حکومت و در سازمان ها نمی داند، بلکه به کلیه مردم به عنوان یک تکلیف الهی سفارش به امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ چنان که در آیه ۷۱ سوره توبه آمده است: "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ..."; مردان و زنان مؤمن بعضی ناظر و سرپرست بر بعضی دیگر هستند؛ به این معنا که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند.... خداوند متعال به خاطر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه احکام و وظایف اسلامی، نشان برجسته بهترین امت را به امت اسلام عطا فرموده است:

"كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ..."
شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معرف می کنید و به خدا ایمان دارید.... (آل عمران، آیه ۱۱۰)

۴- امور تبلیغی و آثار آن در پیشگیری از تخلفات و جرایم بر اساس آموزه های قرآنی:

تبلیغ در سالم ترین، طبیعی ترین و اصولی ترین شکل آن نوعی فعالیت آموزشی است که به منظور نشر دانش و آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز نشر ارزش ها و سجایای اخلاقی صورت می گیرد. رسالت تبلیغات اسلامی بالفعل کردن نیروی بالقوه مسلمانان از طریق رساندن پیام انقلاب اسلامی در زمینه های مختلف است که نتیجه این عمل، خودآگاهی دنیای اسلام و در حقیقت آغاز تحرک جهانی مسلمانان در جهت تحقق آرمان های اسلام و به معنای نشر و تنفیذ ارزش های اسلامی در سراسر جهان است (زورق، ۱۳۹۰: ۳۰).

اگر تبلیغات اسلامی را ادامه حرکت انبیادانیم، با توجه به اینکه رسالت انبیا ابلاغ پیام خداوند متعال به بشریت است، بی تردید تبلیغات اسلامی نیز عمدتاً در همین زمینه قابل تفسیر و تبیین است. قطعاً منظور از تبلیغات اسلامی، تبلیغات ارشادی با استفاده از روش های استدلالی و منطقی است. برای اینکه بتوانیم جنبه های مثبت تبلیغات اسلامی را ملاحظه کرده آثار آن را در جامعه ببینیم، باید اصولی را رعایت کنیم که برگرفته از قرآن کریم می باشد (همان منبع: ۳۱۵). یکی از این اصول، ضرورت و فلسفه وجودی تبلیغات است. این سؤال برای بسیاری مطرح است که آیا اساساً تبلیغات برای اسلام ضرورت دارد؟ ما که هر کدام در مورد اعمال خودمان مکلف و وظیفه مند هستیم، آیا الزاماً باید برای بیداری و آگاهی اسلامی در سطح جهانی نیز تلاش ورزیم و برای گسترش اسلام تبلیغ کنیم؟ بی تردید جواب سؤال مثبت است. قرآن کریم می فرماید: «و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت نموده مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند، در دو عالم در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود» (آل عمران، آیه ۱۰۴).

از دیگر اصول ضروری تبلیغ، سرمشق های اسلامی است. بی تردید فقط طرح نظری ارزش های اسلامی برای تبلیغ اسلام کافی نیست. ساختن فرد و جامعه بر اساس معیارها و ارزش های اسلامی، از اهمیت فراوانی دارد. این کار سبب می شود که قابل عمل بودن و پاسخگو به نیازهای روز بودن اسلام، روشن و مبرهن گردد. بی تردید این تبیین برای تبلیغ ارزش های اسلامی اهمیت حیاتی دارد.



مجاهدت طاقت فرسای نبی مکرم اسلام (ص)، امامان معصوم (ع) و علمای راستین تنها برای طرح نظری تعالیم اسلام نبوده است، بلکه آنها با مجاهدت و جان فشانی هایشان نمونه های عینی این ارزش ها را به تاریخ و بشریت نشان داده اند. در تبلیغات اسلامی باید هم به طرح مبانی نظری و هم به نشان دادن نمونه های عینی همت گماشت. شرح، تفصیل و بررسی ارزش های عینی در جامعه اسلامی و تبلیغ نمونه های ارزشمند ایثار، فداکاری، مقاومت و خدایرستی از وظایف مهم تبلیغات اسلامی است (زورق، ۱۳۹۰: ۳۱۵). در آیه ۱۴۳ سوره بقره آمده است:

"وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا
وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ..."
ما همچنان شما مسلمانان را به آیین اسلام هدایت کرده به اخلاق معتدل و سیرت نیکو
بیاراستیم تا گواه مردم باشید و سایر ملل نیکی و درستی را از شما بیاموزند؛ چنان که
پیغمبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید....

از دیگر اصول لازم در تبلیغات بر اساس آموزه های قرآنی، صبر و پشتکار در تبلیغات است. باید گفت در تبلیغات توجه به اصل صبر، ضرورتی حرفه ای است. متأسفانه مادر تبلیغات فاقد مآل اندیشی های لازم هستیم. ما هنوز به فکر یک طرح تبلیغاتی صد ساله برای نقاط مختلف جهان نیفتاده ایم و بررسی نکرده ایم که چگونه می توان آهسته، منظم و پیوسته در نقاط مختلف جهان حضور یافت و اسلام را گسترش داد. در حالی که دشمنان مادر مقابل ما چنین برنامه ریزی هایی را دارند و به طور منظم ولی آرام برای نفوذ در فکر، اندیشه و فرهنگ ما تلاش می کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

"وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ"؛ و برخی از آنان را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما هدایت می کنند، قرار دادیم؛ برای آنکه در راه حق صبر کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند. (سجده، آیه ۲۴) البته مقصود از صبر در این آیه، صبر در تبلیغات نیست، بلکه صبر در آزمایش های الهی است. به هر حال اگر پیشرفت یک برنامه تبلیغی برای گسترش اسلام، احتیاج به صبر و فداکاری دارد، آیا این خود یک آزمون الهی نیست؟

تطابق گفتار و کردار، از دیگر اصول تبلیغات اسلامی است. اگر در تبلیغات، حرف‌هایی زده شود که با عمل همراه نباشد، اثر مثبت خود را از دست خواهد داد. بی تردید مسئولان هر نظام اجرایی باید آموزش ببینند و بدانند که سخن گفتن، آسان‌تر از عمل کردن است و وعده‌های آتشین، اگر چه مزه‌ای شیرین و گوارا دارد، ولی انتظاری تلخ به دنبال خواهد داشت. عدم ارتباط در این دو بخش، سبب ایجاد تناقض در تبلیغات و ایجاد سوء ظن در افکار عمومی می‌شود. پروردگار متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ"؛
کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ این عمل که سخنی بگویید و خلاف آن کنید، بسیار سخت خدا را به خشم و غضب در می‌آورد (صف، آیه ۳-۲).

اصول دیگری همچون: مرزناپذیری تبلیغات اسلامی، پرهیز از اجتهاد به رأی، خدانگری در تبلیغات، موازنه تزکیه و تعلیم، توجه به ارزش تفکر، مبارزه با سنت‌های ناروای اجتماعی، آزاداندیشی و انتخاب قول احسن، عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی، پرهیز از گروه‌گرایی، تفقه در دین، پرهیز از سودطلبی و ضرورت به کارگیری قول لاین در تبلیغات اسلامی باید رعایت شود تا با اثرگذاری تبلیغ و ترویج شرع مقدس اسلام، نسبت به صیانت از افراد و پیشگیری اولیه از وقوع بزه کاری اقدام نمود و زمینه‌های ارتکاب بزه را از بین برد.

گفتنی است امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز ناظر بر پیشگیری اولیه از وقوع بزه و انحراف می‌باشند که توضیح و موشکافی آنها مجال دیگری را می‌طلبد.



نتیجه‌گیری

۱- بر اساس آنچه بیان شد، پیشگیری اولیه (اجتماعی) از جرم، مجموعه اهدافی است برای مهار تأثیر علل جرم، کاهش خطر بزه دیدگی، افزایش امنیت کلی اجتماع و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی و تأمین حقوق بشر. بنا براین، هزینه اقدامات پیشگیری از جرم باید به عنوان سرمایه‌گذاری تلقی شود و بازگشت این سرمایه از طریق بهبود امنیت عمومی متجلی می‌گردد. باید دانست تحقق پیشگیری از جرم، امری نیست که به سهولت امکان پذیر باشد؛ بلکه کاری دشوار و همراه با اصول و ضوابط مخصوص به خود است. در جامعه اسلامی، قوانین الهی و ارزش‌های دینی، محک و معیاری بسیار مهم برای تجویز یا عدم تجویز روش‌های پیشگیرانه به شمار می‌آید. رویکردها، برنامه‌ها و روش‌های پیشگیری از جرم، که با هدف اصلاح امور دنیایی مردم انجام می‌شود، اگر با قواعد دینی مغایر باشد، خود سبب تیره‌روزی و بدبختی بیشتر آنها خواهد شد (خسرو شاهی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲- به جاست که با بازنگری عمیق‌تر بر آنچه که تا کنون به عنوان اقدامات آموزشی و تربیتی برای تقویت ارزش‌های دینی انجام داده‌ایم، به نقاط ضعف و مثبت آن پی برده عوامل و شرایطی را که منجر به پرورش حس مذهبی از روی میل، شوق و اشتیاق درونی می‌شود (با توجه به اهداف تربیت که ذکر شد) بشناسیم و از آن دسته از عوامل و شرایطی که ما را از این مسیر دور نموده خود به حجابی در مقابل شکوفایی این حس تبدیل می‌شود، پرهیز کنیم (قوام، ۱۳۹۰: ۶۶).

۳- از دیدگاه قرآن کریم، غفلت از خدا (یونس، آیه ۱۲)؛ مغرور و فخرکننده بودن (هود، آیه ۱۰؛ فجر، آیات ۱۵ و ۱۶).

ناسپاس بودن (هود، آیه ۹)؛ بخیل و بی‌قرار بودن (اسراء، آیه ۱۰۰؛ معارج، آیه ۱۹)؛ ضعیف و ناتوان بودن (نساء، آیه ۲۸)؛ طغیان‌گری در هنگام بی‌نیازی (علق، آیه ۶)؛ عجز بودن (اسراء، آیه ۱۱؛ انبیا، آیه ۳۷)؛ جدال‌کننده بودن (کهف، آیه ۵۴)؛ ستمکار و ناسپاس بودن (ابراهیم، آیه ۳۴)؛ نادان بودن (احزاب، آیه ۷۲)؛ شیفته متاع دنیا بودن (آل عمران، آیه ۱۴) و دستور به بدی دادن (یوسف، آیه ۵۳) از معایب انسان می‌باشد. (امینی، ۱۳۸۴: ۵۱) بنابراین با بررسی این معایب و



راهکارهای رفع یا کم رنگ کردن آنها از طریق رهنمودهای قرآن کریم و استفاده آنها در امور آموزشی، تبلیغی و نظارتی می توان احتمال انحراف و بزه را کاهش داد.

۴- برنامه ریزی و فرایند آموزش و تربیت دینی باید معطوف بر دل و قلب باشد نه بر مبنای ذهن و مغز. همچنین باید همراه با شور و اشتیاق و به دور از اجبار و اکراه باشد. چیزی که امروزه در آخرین یافته های روان شناسی تربیت و پرورش هوش شهودی از سوی متفکران بزرگ تعلیم و تربیت مطرح شده و سازمان جهانی یونسکو نیز در تازه ترین تعریفی که از مقوله یادگیری در قرن بیست و یکم ارائه کرده، به آن اصرار ورزیده آن است که برای پرورش تفکر شهودی و گسترش ارزش های دینی و اخلاقی باید به پایگاه عاطفی، که مرکز آن قلب است، توجه شود (کریمی، ۱۳۸۹: ۴۳).

۵- یکی از آسیب های تربیتی که هم اکنون از ساختار و روش های حاکم بر نظام های تعلیم و تربیت ناشی می شود، این است که منابع تربیت را در بیرون از فرد جست جو و معارف دینی را به صورت تلقینی و عاریه ای به او القا می کنیم؛ همچون چاهی که آب از بیرون به داخل آن سرازیر می شود، بدون اینکه چاه از درون و از چشمه زاینده خود پر آب شود. در نتیجه واپایش رفتار دینی در چنین شرایطی وابسته به اقتدار بیرونی از طریق تشویق، جایزه، پاداش، تنبیه، جریمه و توبیخ است. به همین دلیل است که افراد از عمل خوب به خاطر خوبی آن عمل لذت نمی برند، بلکه از پیامد سودجویانه آن بهره می گیرند. در نتیجه تربیت عاریه ای بزرگ ترین آسیبی است که بر پیکره تربیت فطری و درونی وارد می آید (همان منبع: ۵۱). و باید از آن پرهیز کرد.

۶- امور تبلیغات اسلامی باید با توجه به اصولی که برگرفته از قرآن کریم است (در بخش تبلیغات ذکر شد) صورت گیرد تا موفقیت را به دنبال داشته اثرگذار باشد و با تأثیر در وجود افراد، از تمایل آنها به سمت بزه جلوگیری کند.

۷- امور نظارتی باید با اتکا به آموزه های قرآنی اجرا شده به سوی هدف صیانت و پیشگیری، قبل از وقوع جرم و تخلف سوق پیدا کند و از حالت فعلی که نوعی مچ گیری است، پرهیز شود.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم .
- ۲- بشارتی، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ پیشگیری از جرم.
- ۳- بنی هاشمی، سیدجعفر (۱۳۹۲)؛ پیشگیری از وقوع جرم در مکتب اسلام.
- ۴- ترابی، یوسف (۱۳۹۰)؛ نقش دین و معنویت در پیشگیری از جرم؛ فصلنامه کارگاه.
- ۵- جزینی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۴)؛ کاهش اختلال هنجاری، گامی بلند در پیشگیری اجتماعی از جرم؛ فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم .
- ۶- خسرو شاهی، قدرت الله و همکاران (۱۳۹۰)؛ پیشگیری از جرم در پرتو آموزه های دینی؛ نشریه مهندسی فرهنگی.
- ۷- رویگر، محمدرضا (۱۳۹۱)؛ پیشگیری از جرم از دیدگاه قرآن.
- ۸- زورق محمدحسن (۱۳۹۰)؛ مبانی تبلیغ، انتشارات سروش.
- ۹- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۹)؛ اثرات پنهان تربیت آسیب زا؛ تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۰- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)؛ اسلام و تعلیم و تربیت؛ ویرایش دوم؛ قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ۱۱- قوام، میرعظیم (۱۳۹۰)؛ اصول و روش های تربیت از منظر قرآن کریم، انتشارات جمال الحق.
- ۱۲- محسن شیخی، علی اصغر (۱۳۹۰)؛ نظارت و بازرسی؛ انتشارات زمزم هدایت.
- ۱۳- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم؛ اولین همایش پیشگیری از وقوع جرم.
- ۱۴- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)؛ امنیت انسانی، پلیس و پیشگیری از جرم؛ مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا؛ نام گردآوری کننده.
- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰)؛ تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)، دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۲)؛ تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)، دوره کارشناسی ارشد، قم: مجتمع آموزش عالی .